

# اگزستانسیالیسم غربی از نگاه دیگری

انیس منصور

ترجمه هادی جزبای

|     |                    |
|-----|--------------------|
| ۷   | پیش‌گفتار ناشر     |
| ۹   | مقدمه مترجم        |
| ۲۵  | درباره نویسنده     |
| ۲۹  | اشاره انگشت        |
| ۳۱  | معجزه باب میل      |
| ۴۴  | فلسفه بحران        |
| ۶۰  | پدر اگزیتانسیالیسم |
| ۷۳  | خودت را تغییر بده  |
| ۸۳  | عذاب سیزیف         |
| ۹۱  | چشمان دیگران       |
| ۹۹  | او مرگ است         |
| ۱۰۵ | شیوه‌های عاشقی     |
| ۱۱۵ | زندگی وقیحانه      |
| ۱۲۷ | بیداری وجود        |
| ۱۳۹ | گریز               |
| ۱۴۵ | تلخی               |
| ۱۵۱ | آغاز               |
| ۱۶۳ | فرجام              |

## اشاره انگشت

این مقالات درباره فلسفه اگزیستانسیالیسم (اصالت وجود) برای کسانی نوشته شده است که هیچ تخصصی در فلسفه ندارند.

در اینجا سعی دارم از اصطلاحات فلسفی یا واژگان خاص دانش‌آموختگان فلسفه، که به غیر از آنها کسی از این مفاهیم سر رشته ندارد، پرهیز کنم.

این مقالات در فاصله زمانی دور از هم منتشر شده‌اند، که در نگارش هر کدام از آنها بر آن بودم تا به خواننده معرفی کنم که اگزیستانسیالیسم چیست؟ و در برابر تهمت‌ها و ناروایی‌ها، به دفاع از این فلسفه برخیزم. پس بدین ترتیب در بعضی جاها مطالب تکراری‌اند، اما به گونه‌ای دیگر و شیوه‌ای متفاوت البته در همین تکرار مطالب، متن کامل می‌شود.

کسانی که با این فلسفه آشنا نیستند، می‌باید مطالعه خود را از رمان‌ها، نمایش‌نامه‌ها، و پژوهش‌هایی شروع کنند که در این باره وجود دارد.

آسان‌ترین راه‌ها در فلسفه همانا مطالعه است چه درباره مکتب فلسفی چه خود فیلسوف، هر فیلسوفی که باشد. پس از آن است که شناختی از فیلسوف به دست خواهد آمد، اما اینکه مستقیماً به سراغ فیلسوف بروید، کار را سخت می‌کند. پس بهتر آن است که به سمت آشنایان، دوستان، همسایگان و کسانی بروید که با او حشرونشر داشتند. در فلسفه، چهره به چهره شدن کوتاه‌ترین راه ممکن بین تو و فیلسوف نیست و برای رابطه و آشنایی با فیلسوف باید از نردبان‌های چوبی و عینک استفاده کنی تا بتوانی برای مدتی نگاهش کنی. این

نردبان‌ها و عینک همه آن چیزهایی است که درباره فیلسوف نوشته شده است. بعد از آن می‌توانی با پاهای خودت به سراغش بروی و با چشمان غیرمسلح با او در ارتباط باشی. همچنین سعی کن موانع ارتباط با او را از بین ببری، که اتفاقاً فیلسوف به دنبال این است که رابطه‌اش با شما تبدیل به دوستی و علاقه شود و از عناوینی همانند: شما، حضرت‌عالی یا فلسفه‌تان دوری جوید و به لفظ تو برسد.

در تمام این مقالات پیوسته می‌گویم که آگزیستانسیالیسم رویکردی جدی در فلسفه و ادبیات است که پیروان به قدر استطاعت خویش و تا جایی که فهم، صبر، و میزان مطالعه آنها یاری دهد، از آن بهره می‌برند. در حالی که بیشتر آنها هنگامی که از آگزیستانسیالیسم چیزی بشنوند به گران‌بهاترین مایملک زندگی‌شان دل می‌بندند، به وحشت می‌افتند و تصور می‌کنند این چیز جدید داروندارشان را خواهد گرفت، چون که عقل، احساس، تعصب، و دورویی اجتماعی و دینی آنها را نشانه رفته است. کسانی که فلسفه آگزیستانس را مطالعه می‌کنند یا به درک آن نایل شده‌اند یا آن را سرمنشاء زندگی خویش قرار داده‌اند، روی آرامش را نخواهند دید، زیرا تمام نیرو و احساس آنها را بر می‌انگیزاند و همه وظایف، صفات، نقصان، آرزوها و ترس‌هایشان را نمایان می‌سازد و در شیور می‌دمد تا قیامتی بر پا کند که دیگر بار، حس تنهایی و گم‌گشتگی را لمس کنی. پس به زمین نیاز خواهی داشت، تا قدم‌هایت را بر آن بگذاری و به خیابان‌هایش نظم بدهی تا جهت‌های اصلی جهانی را که در آن زندگی می‌کنی بیابی.

بنابراین، این فلسفه آرامش نه، ترس را به بار می‌آورد. ترس تمام وجودت را در بر خواهد گرفت، زیرا مسئولیت را بر دوش تو می‌اندازد، چون که این فلسفه از تو، برای تو و تمام مردمان مشروعیت می‌سازد، آیا این ترسناک نیست؟

قطعاً کسی که همیشه راه می‌رود و نمی‌داند که چقدر وزن دارد و تا چه اندازه سنگین است، هنگامی که یکی از انگشتان پایش درد بگیرد، به سنگینی وزنش پی خواهد برد و اگر این درد در کف پایش حس شود، سنگینی‌اش به مراتب بیشتر احساس خواهد شد و زمانی که این درد در ساق پا یا در تمام جسمش بیپچد یا چیزی نظیر آن یا هرگونه عذاب یا مشکل و...، آنگاه طبیعتاً با فشار جسم، فشار هوا، و حتی مردم روبه‌رو خواهد شد. واقعاً این عذاب‌آور

نیست؟ ترسناک نیست؟

بهتر آن نیست که انسان برای رهایی از درد انگشتان، پاهای جسم و عقل از مخدر استفاده کند؟ بهتر آن نیست که انسان تمام احساس و کتاب‌های نوشته شده در باب فلسفه و به‌ویژه آگزیستانسیالیسم را نادیده بگیرد و هر آنچه درباره‌اش گفته می‌شود، بپذیرد و خود را در فهم آن آزار قرار ندهد. پس با کسانی که این فلسفه را لعن و نفرین می‌کنند، همراه باشیم و هر حکمی درباره‌اش رانند، همان را اصل و سند قرار دهیم.

فلسفه آگزیستانس آرامش‌بخش نخواهد بود، برای اینکه هشدار می‌دهد: انسانیت چیست؟ آزادی چیست؟ آزادی مسئولیت است و انسان آزاد همانا انسان مسئولیت‌پذیر است، همچنین مسئولیت سنگین خواهد بود و انسان از جایی که در آن مسئولیتی بر او تحمیل شود، کراهت دارد. به هوش باش! اگر کسی در برابر انسان‌ها مسئول بود، در برابر انسانیت نیز مسئول خواهد بود.

من از خواننده ناآشنا با فلسفه می‌خواهم هنگامی که درباره فلسفه آگزیستانسیالیسم مطالعه می‌کند و معلوماتی را در این زمینه به دست می‌آورد، مثل کوره ذوب باشد تا بتواند مواد سخت و خشک را در آن ذوب کند. واقعاً فلسفه هم سخت است و هم خشک، و نیاز مبرم به موادی دارد تا آن را حل و ذوب کند. معلومات شما نیز نقش مسیل‌های پهناور را دارد که تمام کشتی‌ها، چه چوبی چه آهنی حتی اگر ساخته دست فیلسوفان باشد، در آن شناور خواهد ماند.

باری، این کتاب را نوشتم چون لازم دیدم کتاب‌هایی از این دست در مصر نوشته شود و سعی دارم که این کتاب (آگزیستانسیالیسم) با حروف درشت به چاپ برسد تا تمام نگاه‌ها به او دوخته شود و فغانی باشد که به گوش همه برسد. و در آخر ...

این مقالات، کوششی جدی است برای نشان دادن مفهوم آگزیستانسیالیسم (اصالت وجود) و فقط یک اشاره است؛ اشاره کوچکی با انگشت به سوی قصری بزرگ و مجلل، در حالی که قصر همچنان بزرگ است و انگشت اشاره همچنان کوچک!

انیس منصور